تیشه ای که به ریشه فرهنگ زده شد

صدیق، عیسی

دومین نکته اساسی که در قانون تربیت معلم مصوب‏ 19 اسفند 1312 ذکر شده اینست که شاگردان داوطلب‏ ورود بدانش‏سراهای مقدماتی باید سالم و داری گواهی‏نامه‏ دورهء متوسطه باشند.

شرط سالم بودن داوطلبان شاید محتاج باقامه دلیل نباشد زیرا کسی که بیمار باشد و علیل از او توقع خدمت نمی‏توان داشت.شخصی که فلج باشد یا گوشش نشنود یا کبد و کلیه‏اش کار نکند و در نتیجه بسیار تندخو و عصبانی و بی‏حوصله باشد از عهدهء آموزگاری‏ برنمی‏آید و بچنین فردی نباید کودکان را برای تعلیم و تربیت سپرد.

راجع بمیزان تحصیلات داوطلبان ورود بدانش‏سراهای مقدماتی،در ده‏ سال اخیر که عده دبیرستان‏ها سه برابر وعده شاگردان متوسطه چهار برابر شده و هر سال در حدود بیست هزار نفر از شاگردا مذکور ورقه‏ای بنام«دیپلم»متوسطه‏ بدست میآورند،بعضی از روسای ادارات وزارت فرهنگ پیشنهاد کرده‏اند که‏ بجای دارندگان گواهی‏نامه دورهء اول متوسطه کسانی را بدانش‏سراهای مقدماتی‏ بپذیرند که داری دیپلم کامل متوسطه باشند.اشتباه آقایان در اینست که صاحبان‏ دیپلم متوسطه کامل را داری معلومات مذکور در برنامه رسمی متوسطه تصور میکنند در صورتیکه سه ربع از بیست هزار نفر در سنواتی که در محلی بنام دبیرستان عمر خود را گذرانده‏اند یا دبیر نداشته‏اند یا معلمین آنها فاقد معلومات و اطلاعات لازم‏ بوده‏اند و در امتحانات سال ششم متوسطه هم در اغلب حوزه‏های فرهنگی همین‏ معلمین شاگردان خود را واجدشریط باولیای فرهنگ معرفی کرده و خودشان‏ نیز از آنان امتحان کرده‏اند.بنابراین در اکثر موارد در ده سال اخیر دیپلم‏ متوسطه کامل ورقهء بی‏ارشی بوه است.در حدود یک ربع از کسانیکه آن دیپلم را بدست آورده‏اند از روی استحقاق بوده-در دبیرستانهای بالنسبه بهتر تحصیل کرده‏اند و اینان در امتحانات مسابقه دانشگاه تهران و شهرستانها شرکت میکنند و به تحصیلات عالیه میپردازند و سه ربع دیگر بی‏مایه و بی‏هنر و حیران و سرگردان‏ و عاطل و باطل و در آغاز جوانی نومید و بدبین هستند.

عیب دیگر این دیپلمه‏های اسمی اینست که در اثر بی‏معلمی معتاد به‏ تن‏آسانی شده‏اند و منتظرند بدون رنج گنج بدست آورند و از اینکه بدانشگاه راه‏ نیافته‏اند خود را بدبخت میدانند و اکثر آنها از اشتغال بکاری که مستلزم صرف‏ وقت و تحمل زحمت باشد گریزانند و بدرد معلمی نمیخورند.

و اما علت اساسی تعیین گواهی‏نامه دورهء اول متوسطه برای داوطلبان ورود بدانش‏سراهای مقدماتی اینست که سن این افراد در حدود پانزده و شانزده است و رشد بدنی آنها پایان نیافته و بنابراین میتوان آنها را مطابق دلخواه تربیت کرد و عادات معینی در نهاد آنها مخمر ساخت و با معلومات لازم برای آموزگاری آماده‏ نمود در صورتیکه دارندگان دیپلم متوسطه کامل سنشان از 18 و 19 تجاوز کرده و رشد بدنی آنها تمام شده و از لحاظ روانی هرچه باید بشوند شده‏اند و تربیت در آنها مؤثر نیست.

در ممالک مترقی همواره این نکته مورد توجه اولیای فرهنگ است که‏ در دانش‏سراهای مقدماتی داوطلبانی که بپذیرند که دورهء رشد بدنی آنها تمام نشده‏ باشد مثلا در جماهیر شوروی که همسایه دیوار بدیوار ماست و از انقلاب 1917 باین‏ طرف تعلیمات عمومی در آن توسعه شگرف یافته و آموزش اجباری در تمام بلاد آن‏ اجرا گردیده با اینکه میتواند از فارغ التحصیل‏های متوسطه بدانش‏سراهای مقدماتی‏ بپذیرد داوطلبانی را قبول میکند که بیش از چهارده سال ندارند و فقط دورهء اول متوسطه‏ را دیده‏اند.از 1951 که وضع جماهیر شوروی بهبود یافته برای بالا بردن پایه‏ معلومات آموزگاران شرط ورود بدانش‏سراها را تغییر نداده‏اند بلکه بر عده سنوات‏ تحصیل دانش‏سراها افزوده‏اند.

داوطلب آموزگاری در روسیه کنونی پس از اتمام دورهء اول متوسطه در چهارده‏سالگی وارد دانش‏سرای مقدماتی شبانه‏روزی میشود و چهارسال تحصیل و تمرین میکند و در هیجده سالگی بمقام آموزگاری نائل میگردد.